

## **Analytical and comparative recognition of the circle of marriage and choosing a wife in religious texts**

**(Study subject: Old Testament and New Testament)**

**Reza Kiani\***

### **Abstract**

Marriage and related issues are important and fundamental issues in ancient religions. By studying religious texts, which apart from spiritual and human values, have a lot of value from a historical point of view, this concept has been widely expressed. In the heavenly books of the Old Testament and the New Testament, which are considered to be the most important religious books, there are many verses that, while paying attention to the issue of marriage and forming a family, consider the criteria in choosing a spouse that the followers are required to follow. complying with it.

The purpose of this study is to study the comparative study of the scope of choosing a wife and forming a family in Judaism and Christianity based on their written teachings.

The findings of this research show us that although nowadays the love and affection of couples towards each other is valuable in choosing a spouse, but based on the teachings and rulings mentioned in the two historical and religious books, the followers are required to observe There are certain limits in choosing a wife and many verses and commandments have been mentioned in this regard.

**Keywords:** marriage, marriage circle, religious texts, Old Testament, New Testament

\* Assistant Professor of Population Research Institute, rezakiani@nipr.ac.ir

Date received: 2020/11/17, Date of acceptance: 2021/01/13



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## بازشناسی تحلیلی و مقایسه‌ای دایره ازدواج و همسرگزینی

### در متون دینی

#### (مورد مطالعه: عهد عتیق و عهد جدید)

رضاکیانی\*

#### چکیده

ازدواج و مسائل مرتبط با آن از موضوعات مهم و اساسی در ادیان کهن و باستانی به حساب می‌آید. با بررسی و مطالعه متون دینی که سوای از ارزش‌های معنوی و انسانی از نظر تاریخی نیز واجد اعتباراند این مفهوم به شکل گسترده و در ابعاد گوناگون بیان شده است. در کتاب‌های آسمانی عهد عتیق (تورات) و عهد جدید (انجیل) که از مهم‌ترین متون دینی محسوب می‌شوند، با آیات فراوانی روبرو هستیم که ضمن توجه و ترغیب به امر ازدواج و تشکیل خانواده، در انتخاب همسر قائل به رعایت حد و مرزها، قوانین و احکام دینی است و به طور طبیعی پیروان ملزم به رعایت آن محدوده مورد نظر هستند. هدف از این بررسی مطالعه تطبیقی محدوده و حدود همسرگزینی و تشکیل خانواده در ادیان یهود و مسیحیت بر اساس آموزه‌های مکتوب آن‌ها می‌باشد. یافته‌های این پژوهش به ما نشان می‌دهد اگر چه امروزه در انتخاب همسر علاقه و محبت زوجین نسبت به هم واجد ارزش و اعتبار است اما بر اساس آموزه‌ها و احکام ذکر شده در دو کتاب تاریخی و دینی مزبور، پیروان ملزم به رعایت حدود و محدوده خاصی در انتخاب همسر بوده و آیات و فرامین بسیاری در این باره ذکر گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** ازدواج، دایره همسرگزینی، متون دینی، عهد عتیق (تورات)، عهد جدید (انجیل)

\* استادیار موسسه تحقیقات جمعیت کشور، rezakiani@nipr.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

ازدواج در اشکال گوناگون‌اش را می‌توان قدیمی‌ترین مفهوم جمعیتی محسوب کرد که در نزد جوامع انسانی رواج یافته است. این مفهوم در جمعیت‌شناسی مفهومی مهم و پر اعتبار به حساب می‌آید و از آنجا که می‌تواند بر باروری - دیگر مفهوم جمعیتی - مؤثر واقع گردد، همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه جمعیت بوده است. همچنین ازدواج و تشکیل خانواده می‌تواند بر روند مهاجرت و یا طلاق نیز تأثیرگذار باشد.

از مطالعات تاریخی نیز برمی‌آید که [حیات بشر] هیچ زمانی خالی از دین نبوده و آدمی همواره با دین زندگی کرده است. البته گاهی اوقات دین در مسایل اجتماعی حضور داشته و گاه در زندگی فردی محدود و محصور گشته است. (شاکرین، ۱۳۸۹، ص: ۶۰)

اما از این نکته نمی‌توان غافل بود که برای دین‌داران و نزد جوامع دینی، کارکردهای دینی پدیده‌های فردی و اجتماعی عمیق‌تر و اثرگذارتر هستند. "دین افزون بر کارکردهای فردی، دارای نقش اجتماعی نیرومند و بدیل ناپذیری است. از همین رو از دیرزمان فیلسوفان و اندیشمندان به فلسفه اجتماعی به وجود دین توجه چشمگیری داشته‌اند." (همان ص: ۴۹) کتابهای آسمانی نیز به عنوان اصلی‌ترین و حقیقی‌ترین منبع دینی، به مسائل انسانی و اجتماعی پیروان توجه ویژه دارند. هنگامی که سخن از واقعیت دین می‌رود عموم دین‌داران به متون دینی به عنوان واقعیت دین اشاره دارند. (محمدی، ۱۳۸۰، ص: ۲۹۰) چزی شبیه به حکم نهایی و امر تغییر ناپذیر که سرپیچی از آن، غیرممکن و حتی خروج از دین را به همراه خواهد داشت. مفهوم دایره ازدواج و همسرگزینی در کتاب‌های آسمانی تورات و انجیل به عنوان اصلی‌ترین منبع دو دین یهودیت و مسیحیت، انعکاس فراوان داشته و در این کتاب‌ها به نمونه‌ها و اشکال مختلفی از ازدواج اشاره شده است که پیروان ملزم به رعایت حدود شرعی و دینی آن هستند. در این مقاله به بازشناسی تحلیلی و مقایسه‌ای دایره ازدواج و همسرگزینی در عهدعتیق و عهدجدید پرداخته و کوشش می‌شود موارد مربوط به دایره همسرگزینی و دلایل و عوامل مؤثر آن بیان گردد.

## ۲. چارچوب مفهومی

در این بررسی، سه مفهوم کلیدی مطرح نظر بوده است: ازدواج و تشکیل خانواده، تعدد زوجات و انواع ازدواج. در این بخش مفاد این سه پنداره شرح و بسط داده می‌شود:

ازدواج: ازدواج بر اساس نوع فرهنگ و شرایط اجتماعی جوامع گوناگون، تعاریف و تعابیر مختلفی دارد. به طور کلی می‌توان گفت که

ازدواج عرف یا نهادی است که از آن طریق و بر اساس آن مرد و زن برای شرکت داریم [یا موقت] در زندگی به هم می‌پیوندند. ازدواج خود مبنای خانواده است و تحت شرایط آن مرد و زن در اجتماع به طور قانونی می‌توانند فرزند یا فرزندان داشته باشند. (شیخی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۵).

برای ازدواج تعاریف دیگری نیز به کار برده شده است. مالینوسکی در تعریف ازدواج می‌نویسد: «ازدواج قراردادی است برای تولید و بقای نسل» (همان). همچنین به نظر لوند برگ: «ازدواج در برگیرنده قوانین و ضوابطی است که حقوق، وظایف و امتیازات شوهر و زن را در ارتباط با یکدیگر تعریف و تعیین می‌نماید. ازدواج به عنوان یک عرف یا نهاد، در کلیه اجتماعات به شکلی وجود دارد.» (همان)

در تعریفی دیگر ازدواج اینگونه شرح داده شده است: «پایه گذار خانواده زن و شوهری ازدواج است و آن به رابطه‌ای قانونی، عرفی یا دینی گفته می‌شود که زن و مرد را برای شرکت دائم یا موقت در زندگی به هم پیوند می‌دهد.» (تقوی، ۱۳۷۸، ص ۶۳). بنابراین هر گونه رابطه‌ای که جنبه همزیستی داشته و یا پیوند میان دو نفر باشد به عنوان ازدواج شناخته نمی‌گردد. این مفهوم در ادیان، مفهومی مهم و بنیادین است. در دو کتاب مورد مطالعه در این بررسی، ازدواج رکن اصلی و پایه تشکیل خانواده بیان شده است که به دلیل اهمیت و ارجمندی آن، احکام و قوانین ویژه‌ای را طلب می‌کند. بدیهی است عدم رعایت آن احکام، مغایر با اصل دین داری شناخته شده و مجازات‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است.

تعدد زوج: ازدواج از نظر تعداد همسر دو شکل دارد. ازدواج تک همسری و ازدواج چند همسری. در این مطالعه، چند همسری برابر با چند زنی معادل شده است و نمونه‌ای که زن بتواند همزمان چند مرد اختیار کند وجود نداشته و چنین چیزی ممکن نبوده است.

با وجود این کوشش شده نمونه‌هایی از تک‌همسری و چندهمسری ذکر و نگاه و نظر کتب آسمانی مذکور در خصوص این مفاهیم بیان و مقایسه شود.

درون‌همسری و برون‌همسری: در یک تقسیم بندی، ازدواج می‌تواند به شکل درون-همسری و یا برون‌همسری شکل گیرد. به طور کلی، «اگر ازدواج در داخل یک گروه اجتماعی از قبیل روستا، کاست، طبقه، مذهب و غیره صورت پذیرد درون گروه خواهد بود.» (تقوی، ۷۸، ص ۶۴) یکی دیگر از شیوه‌های همسرگزینی ازدواج برون زناشویی یا ازدواج خارج از گروه است. اگر طرفین ازدواج خارج از یک گروه اجتماعی (از قبیل خانواده، مذهب، طبقه...) باشند ازدواج خارج از گروه یا برون زناشویی نامیده می‌شود. این دو مفهوم در ادیان رنگ و بویی معتبر و برجسته دارند که پیروان ملزم به رعایت آن هستند. در کتاب‌های آسمانی حدود ازدواج برای پیروان ترسیم شده و افراد می‌بایست تابع آن حدود که از جانب خداوند مشخص و معین و در کتب آسمانی ذکر شده باشند.

### ۳. یافته‌ها

#### ۱.۳ اهمیت و منزلت ازدواج و درجهٔ عمومیت آن

در سیر تاریخ دین، مسئلهٔ زناشویی از آن جهت که به تولید نسل می‌انجامد، همواره مورد توجه بوده و به آن توصیه شده است. چنانچه می‌توان این گونه عنوان نمود که «در تمامی ادیان و باورهای مذهبی، امر ازدواج و تکثیر نسل از اصول بدیهی و واجب شمرده شده و سرپیچی از آن گناه تلقی می‌گردد» (تقوی، ۱۳۷۸، ص ۹۳) همچنین ازدواج می‌تواند به رشد و ترویج اخلاق و جلوگیری از بی بندوباری منجر شود. از این رو در کتاب‌های مقدس عهد عتیق و عهد جدید به اهمیت و اعتبار آن اشاره شده و برای آن قوانین مخصوصی وضع گردیده است. در تورات به آیاتی بر می‌خوریم که به مفهوم زناشویی و جایگاه و اهمیت آن اشاره گردیده است. بر اساس این آیات، ازدواج از منزلت و ارجمندی ویژه‌ای برخوردار بوده به نحوی که از آن به عنوان نعمتی هدیه شده از سوی خدا یاد شده است:

«وقتی مردی همسری پیدا می‌کند نعمتی می‌یابد. آن زن برای او برکتی است از جانب خداوند.» (امثال، ۱۸: ۲۲)

ازدواج ارمغانی از سوی خداوند است. آنچه اینگونه تعبیرها برایمان روشن می‌سازد آن است که یهودیت (بر اساس کتاب مقدس آنها) نظر مثبتی با ازدواج و زناشویی دارد (علیجانی، ۱۳۸۹، ص: ۱۲۵). شاهد این مدعا آیه‌ای است که در کتاب امثال آمده و در آن به لذت زندگی با همسر و وفادار بودن نسبت به او اشاره شده است:

« پس با زنت خوش باش و از همسر خود که در ایام جوانی با او ازدواج کرده‌ای لذت ببر. » (امثال، ۵: ۱۸)

پیوند زناشویی میان دو نفر گاهی منجر به مودت و صلح و دوستی بیشتر بین دو خانواده، دو قوم یا دو کشور می‌شده است. در عهد عتیق نمونه‌هایی بر این مدعا به چشم می‌خورد. در کتاب اول پادشاهان، ازدواج سلیمان، پادشاه مقتدر قرن دهم قبل از میلاد با دختر فرعون مصر ذکر شده که نمونه‌ای بارز از چنین ازدواجی است:

« سلیمان با فرعون مصر پیمان دوستی بسته، دختر او را به همسری گرفت و به شهر داود آورد تا بنای کاخ سلطنتی خود و نیز خانه خداوند و دیوار شهر اورشلیم را تمام کند. » (اول پادشاهان، ۳: ۱)

همچنین ازدواج گاهی می‌توانست جهت استحکام روابط دوستانه بین دو طرف باشد. به عنوان نمونه ازدواج سلیمان با دختر فرعون مصر مبدل به پیمان صلح و دوستی، بین دو کشور مصر و اسرائیل گردید و از احتمال ایجاد جنگ در آینده کاسته، و منجر به امنیت گردید. این تأمین صلح و امنیت منجر شد در خلال آن سالها سلیمان با خیال آسوده اقدام به ساخت خانه خدا در اورشلیم بنماید.

نمونه دیگری که می‌توان زناشویی را به عنوان وسیله تأمین صلح و دوستی بین دو کشور محسوب کرد، ازدواج پسر یهوشافاط پادشاه کشور یهودیه با دختر اخاب، پادشاه کشور همسایه، اسرائیل است. این ازدواج در کتاب دوم تواریخ ذکر شده است:

« یهوشافاط ثروت و شهرت زیادی کسب کرد و با اخاب، پادشاه اسرائیل وصلت نمود و دختر او را به عقد پسرش در آورد. » (دوم تواریخ، ۱۸: ۱)

ازدواج در فرهنگ بنی اسرائیل، به ویژه بخش‌های کهن‌تر آن به مثابه یک قرارداد اقتصادی تلقی می‌شده است (علیجانی، ۱۳۸۹، ص: ۱۲۵). کشور اسرائیل در مناطق شمالی واقع شده بود و در جنوب سرزمین یهودا بود. ازدواج فرزندان دو پادشاه، به جنگ‌ها و خونریزی‌های بین دو کشور پایان می‌داد و رابطه‌ای دوستانه و صمیمی برقرار می‌نمود. یکی

دیگر از مسائل پر اهمیت در این زمینه معاف شدن پسران دارای نامزد از رفتن به جنگ بود به عبارت دقیق‌تر اهمیت و اعتبار ازدواج تا آنجا بود که چنانچه در سپاه جنگ مردانی بودند که نامزد داشته و قصد ازدواج و تشکیل خانواده داشتند از رفتن به جنگ معاف می‌شدند. در کتاب تثنیه آمده است: سرداران سپاه قبل از شروع جنگ مردانی را که نامزد داشتند از جنگ با دشمن معاف می‌کردند چون ممکن بود آنها در جنگ کشته شده و دیگر هرگز نتوانند با زن دلخواه خود ازدواج کنند. سرداران قبل از شروع جنگ می‌گفتند:

« آیا کسی به تازگی دختری را نامزد کرده است؟ اگر چنین کسی هست به خانه خود باز گردد و با نامزدش ازدواج کند، چون ممکن است در این جنگ بمیرد و شخص دیگری نامزد او را به زنی بگیرد.» (تثنیه، ۲۰: ۷)

در همان کتاب از قول حضرت موسی می‌خوانیم: مردی که تازه ازدواج کرده نباید به سربازی دعوت شود بلکه باید به مدت یک سال در خانه و در کنار همسرش زندگی کند.

البته این اهمیت و منزلت در کتاب عهد جدید نیز نمود داشته است. به عبارت دیگر مفهوم زناشویی و تشکیل خانواده در عهد جدید همچون عهدعتیق وجود داشته و در این کتاب به انجام آن توصیه و سفارش شده است. با وجود این بر اساس آموزه‌های این کتاب اگر فردی بتواند ازدواج نکند و تمایل و نیازی نیز بدان احساس نکند تصمیم بهتر و عاقلانه‌تری گرفته است. در نامه اول پولس به ایمان‌داران کلیسای قرنتس که در کتاب اول قرنتیان آمده، ازدواج پدیده‌ای خلاف و ناشایست معرفی نگردیده است اما این نکته نیز بیان شده است که بهتر است افراد، تن به چنین کاری ندهند:

اگر کسی می‌بیند که نسبت به دختری که نامزدش است پرهیز ندارد و نمی‌تواند بر امیال خود مسلط باشد و نامزدش نیز به حد بلوغ رسیده و او می‌خواهد با این دختر ازدواج کند، گناهی مرتکب نشده است. اشکالی ندارد، بگذارید ازدواج کند. اما اگر کسی با اراده‌ای محکم تصمیم گرفته است که ازدواج نکند و می‌بیند که نه تمایلی به این کار دارد و نه نیازی به آن تصمیم عاقلانه‌ای گرفته است. پس کسی که ازدواج می‌کند کار خوبی می‌کند، و کسی که ازدواج نمی‌نماید، کار بهتری می‌کند. (اول قرنتیان،



از این آیات چنین بر می‌آید که ازدواج راه‌حلی است برای دوری از گناه و کنترل امیال آدمی و چنانچه کسی نتواند بر آنها غلبه پیدا کند بهتر است ازدواج کند اما پیروی که چنین توانایی را دارد، عاقلانه تر آن است که تن به چنین کاری ندهد. می‌دانیم که عیسی و برخی از یارانش هرگز ازدواج نکردند و این تصور را داشتند که ازدواج آنها را از خدمت به خداوند و خشنودی او محروم می‌سازد:

مردی که ازدواج نکرده است می‌تواند تمام وقت خود را صرف خدمت خداوند کند و تمام فکرش این باشد که او را خشنود سازد. اما مردی که ازدواج کرده است نمی‌تواند به راحتی خداوند را خدمت کند زیرا مجبور است به فکر مادیات نیز باشد و بکوشد همسرش را راضی نگه دارد. (اول قرنتیان ، ۷: ۳۲ - ۳۳)

یکی از اولین نکاتی که در مواجهه با عهدجدید در رابطه با بحث زنان به چشم می‌آید تأکیدی است که روی تجرد وجود دارد (علیجانی، ۱۳۸۹، ص: ۱۷۴). به همین جهت، پولس آرزو می‌کند همه انسان‌ها بتوانند مثل او همیشه مجرد بمانند:

کاش همه می‌توانستند مانند من مجرد بمانند. اما ما همه مانند هم نیستیم. خدا به هر کس نعمتی بخشیده است به یکی این نعمت را عطا کرده که ازدواج کند و به دیگری این نعمت را که با شادی و رضایت، مجرد بماند. (همان)

بنابراین ازدواج نکردن هم هدیه و نعمتی است از جانب خداوند که به افرادی عطا شده تا با شادی و رضایت بدون همسر سپری کنند. در انجیل، زناشویی پدیده‌ای خاص این جهان فانی معرفی شده است. بر این اساس در جهان دیگر و پس از مرگ ازدواج معنا و مفهومی نخواهد داشت. از طرف دیگر در این کتاب آمده است که فرشتگان هرگز رابطه زناشویی ندارند بلکه این عمل فقط مخصوص انسانها و در این جهان فانی صورت می‌پذیرد. در انجیل مرقس عیسی این موضوع را در قالب سئوالی که از او می‌شود پاسخ می‌دهد:

سپس یک دسته دیگر به اسم صدوقی‌ها که منکر روز قیامت هستند، جلو آمدند و سوال کرده، گفتند: استاد، موسی فرموده است، هر گاه مردی بمیرد و فرزندی نداشته باشد، برادرش همسر او را به زنی بگیرد تا صاحب اولاد شده، آنها را فرزندان و نسل برادر مرده خود بداند. اما هفت برادر بودند. اولی زنی گرفت و بی اولاد در گذشت. پس دومی همسر او را به زنی گرفت، ولی او هم بی فرزند مرد. سومی هم او را گرفت

و بی بچه فوت کرد و به همین ترتیب همهء برادرها مُردند ولی هیچکدام صاحب فرزند نشدند. سرانجام آن زن نیز مرد. حال آنچه ما می خواهیم بدانیم این است که در روز قیامت، آن زن همسر کدام یک از آن هفت برادر خواهد شد، چون هر هفت برادر او را به زنی گرفته بودند؟

عیسی جواب داد: شما چقدر گمراهید، زیرا نه از کلام خدا چیزی می دانید نه از قدرت خدا. وقتی آن هفت برادر و آن زن در روز قیامت زنده شوند، دیگر هرگز ازدواج نخواهند کرد بلکه مانند فرشتگان خدا خواهند بود. (مرقس، ۱۲: ۱۹ - ۲۵)

این موضوع در اناجیل دیگر نیز آمده است به طوریکه در انجیل متی، جواب عیسی را چنین می یابیم:

« سؤال شما نشان می دهد که نه از کلام خدا چیزی می دانید، نه از قدرت خدا، زیرا در روز قیامت انسانها دیگر ازدواج نمی کنند بلکه مثل فرشتگان آسمان خواهند بود. » (متی، ۲۲: ۲۹ - ۳۰)

ازدواج مخصوص جهان مادی است و در جهان دیگر، خبری از آن نبوده و نیست. دنیوی بودن ازدواج موضوعی است که در انجیل لوقا ذکر شده است:

« ازدواج برای مردم فانی این دنیا است. » (لوقا، ۲۰: ۳۴)

در عهد جدید ضمن توجه به اهمیت ازدواج برای افرادی که تشکیل خانواده داده-اند، رهنمون و توصیه‌هایی نیز در زمینه وفاداری نسبت به همسر وجود دارد. چنانچه در کتاب عبرانیان آمده است:

« به ازدواج خود و به عهد و پیمانی که بسته‌اید وفادار باشید، و پیوند زناشویی‌تان را از آلودگی دور نگه دارید. » (عبرانیان، ۱۳: ۴)

وفاداری در ازدواج نه تنها به زوج‌های مسیحی سفارش شده است بلکه کسانی که همسر غیرمسیحی دارند ملزم به وفادار بودن نسبت به همسر خود می‌باشند. چرا که وفادار بودن و مطیع بودن فردی مسیحی که همسری غیرمسیحی دارد باعث می‌شود همسر او به مسیح نیز ایمان بیاورد.

### ۲.۳ دایره همسرگزینی

اگر چه امروزه در انتخاب همسر، بیشتر عشق و علاقه و رضایت زن و مرد نسبت به هم ملاک عمل است ولی باید توجه داشت که در گذشته و در برخی از جوامع افراد ناگزیر بودند همسر خود را از محدوده‌ای خاص و مشخص انتخاب کنند. از این رو اختیار همسر از گروه، طبقه، قوم و دین دیگر امکان ناپذیر بود.

محدوده مجاز و یا مطلوب زناشویی در بین خویشاوندان در ادیان مختلف، از جمله مسائلی است که از دیر باز مورد توجه و مطالعه مردم شناسان و جامعه شناسان - به ویژه در حوزه های انسان شناسی فرهنگی، جامعه شناسی خانواده، جامعه شناسی حقوقی و جامعه شناسی ادیان - قرار گرفته است (کتابی، ۱۳۸۳، ص: ۴۱)

در کتابهای عهد عتیق و عهد جدید به این موضوع اشاره شده است و در آنها از ازدواج‌های درون‌گروه (یا درون زناشویی) و ازدواج‌های برون‌گروه (یا برون زناشویی) یاد شده است.

### ۱.۲.۳ درون زناشویی‌ها

اهمیت و اعتبار ازدواج‌های درون‌گروه در عهد عتیق تا آنجاست که در این رابطه احکام ویژه ای مقرر شده است. این قوانین توسط حضرت موسی به بنی اسرائیل اعلام شده است. بر اساس این چنانچه فردی بدون داشتن پسری از دنیا رود، بیوه او نباید با فردی خارج از آن خانواده وصلت کند بلکه برادر شوهرش باید با آن زن ازدواج نماید. و حق برادر شوهری را به جا آورد. بر طبق دستورات حضرت موسی اولین پسری که از ازدواج آن دو متولد شود به عنوان پسر شوهر فوت شده محسوب می‌شود. در تورات علت این رسم اجتماعی، فراموش نشدن نام شوهر فوت شده در قوم اسرائیل ذکر شده است. همچنین در این کتاب بر این نکته اشاره شده است که چنانچه برادر متوفی همسر برادر خود را به زنی نگیرد و از انجام این کار طفره رود زن باید به نزد بزرگان و ریش سفیدان شهر برود و نافرمانی برادر شوهر را با آنها در میان گذاشته و اعلام نماید که برادر شوهرش وظیفه‌اش را نسبت به او انجام نمی‌دهد. پس از آن، ریش سفیدان شهر باید با برادر متوفی صحبت کنند و او را وادار و راضی به ازدواج با زن برادر خود نمایند. چنانچه مرد باز هم حاضر به ازدواج با زن نگردد، زن بیوه باید در حضور بزرگان و ریش سفیدان شهر به مرد آب

دهان اندازد و کفش‌های او را از پایش بیرون آورد. این عمل نشان‌دهنده کاهش اعتبار آن مرد شمرده می‌شد، چنانچه از آن به بعد خاندان مرد به خاندان «کفش‌کننده شده» در جامعه مشهور می‌گردد.

نمونه دیگری که به ازدواج درون گروه اشاره شده، ازدواج پسران یهودا است. در عهد عتیق می‌خوانیم یهودا صاحب سه پسر بود. پسر ارشد او «عیر» نام داشت. پسر وسط «اونان» و کوچکترین فرزند یهودا «شیله» بود. در سفر پیدایش ازدواج عیر با دختری بنام تامار ذکر شده است. اما خداوند به دلیل گناهان عیر، او را به سزای اعمالش رساند و جانش را گرفت. پس از آن یهودا به پسر دوم خود امر کرد تا با همسر عیر ازدواج کند. چرا که در آن زمان رسم اینچنین بوده و فرزند کوچکتر باید با زن برادر بزرگتر (که مرده بود) ازدواج کند. بنابراین اونان با تامار ازدواج کرد اما اونان همواره سعی می‌کرد تا از تامار صاحب بچه‌ای نشود. این امر از نظر خداوند رفتاری ناپسند بود بنابراین جان اونان را گرفت. بر اساس آیات ذکر شده در سفر پیدایش، به دلیل اینکه پسر سوم یهودا در سن ازدواج نبود یهودا به تامار گفت به خانه پدری خود برود و تا بزرگ شدن شیله صبر کند تا شیله بتواند او را به زنی بگیرد. تامار که از این گفته یهودا ناراحت شده بود توطئه‌ای چید و با تغییر قیافه نزد یهودا آمد و وانمود کرد زنی بدکاره است. یهودا نیز بدون اینکه آگاه باشد این زن عروس اوست با او همبستر شد. مدتی بعد که مشخص شد تامار حامله است یهودا دستور داد تا زن را به سبب گناه در آتش بسوزانند اما تامار - با نشان دادن مهر و عصای یهودا - به او یادآور شد کسی که با او همبستر شده، کسی جز خود یهودا نیست. (پیدایش، ۳۸)

به غیر از مواردی که عهدعتیق بدان اشاره داشته، در عهدجدید نیز با مواردی شایان توجه از ازدواج‌های درون گروه بر می‌خوریم. به طور نمونه به ازدواج هیروودیس پادشاه و هیروودیا اشاره می‌شود: هیروودیا قبلاً زن فیلیپ برادر هیروودیس بود و پس از جدایی از فیلیپ با هیروودیس ازدواج نمود. در انجیل آمده است یحیی نبی به هیروودیس هشدار می‌دهد که نباید با زن برادرش ازدواج کند و ازدواج با هیروودیا خطاست. این حرف نه تنها نفرت هیروودیا را بر می‌انگیزد بلکه باعث می‌شود پادشاه، یحیی را زندانی کند، با وجود این از ترس شورش مردم او را نمی‌کشد. اما در میهمانی ویژه‌ای که برای جشن تولد پادشاه برگزار می‌شود، سالومه، دختر پادشاه رقص زیبایی می‌کند چنانچه باعث سرخوشی و

خوشحالی پدر می‌شود، از آن رو به دختر می‌گوید هر چه بخواهد فی‌الفور در اختیارش خواهد گذارد. دختر نیز به توصیه مادر از پدر درخواست سر یحیی را می‌کند تا انتقام مخالفت ازدواج هیروودیا و هیروودیس را گرفته باشد. هیروودیس از درخواست دختر ناراحت می‌شود اما چون در حضور میهمانان سوگند خورده بود خواسته دختر را اجابت می‌کند. (متی، ۱۴: ۱۱-۱)

### ۲.۲.۳ برون زناشویی‌ها

در عهدعتیق ازدواج یهودیان با غیر یهودیان و بیگانگان برابر با گمراه شدن آنان و گرویدن به بت‌پرستی و انجام گناه قلمداد شده است. تلمود (کتاب احکام آیین یهودیت) گناه چنین آمیزشی را تقریباً برابر با گناه مجامعت با حیوانات برابر می‌داند (شاهاک، ۱۳۸۴، ص: ۱۶۸). اصل و اساس آنچه ذکر گردید را می‌بایست در آیات کتاب تورات جستجو نمود. بر اساس آیات این کتاب ازدواج یهودیان با طرفداران سایر ادیان و مذاهب گناه شمرده می‌شود. در این کتاب داستان افرادی نقل شده که با ازدواج با خارجیان از خدا دور شده و به سمت گناه رفته‌اند.

آیات عهد عتیق درباره ازدواج یهودیان با غیر یهودیان هشدار داده است. در کتاب نحیما پیمان مردم اسرائیل مبنی بر عدم ازدواج با غیر یهودیان را می‌خوانیم:

« قول می‌دهیم که نه دختران خود را به پسران غیر یهودی بدهیم و نه بگذاریم پسران ما با دختران غیر یهودی ازدواج کنند » (نحیما ، ۱۰ : ۳۰)

در کتاب تثبیه نیز ازدواج با بیگانگان و خارجیان نهی شده است چرا که ازدواج با این افراد، قوم اسرائیل را به بت‌پرستی و کفر می‌کشاند که در نهایت، این کار باعث خشم خداوند خواهد شد:

با آنها ازدواج نکنید و نگذارید فرزندانان با پسران و دختران ایشان ازدواج کنند چون در نتیجه ازدواج با آنها جوانانان به بت پرستی کشیده خواهند شد و همین سبب خواهد شد که خشم خداوند نسبت به شما افروخته شود و شما را به کلی نابود سازد. (تثبیه ، ۷: ۳-۴)

نمونه مشهوری از ازدواج با افراد غیر یهودی را که در نهایت سبب دوری از خدا و انجام گناه گردیده است، می‌توان در داستان حضرت سلیمان و زنان غیر یهودی او مشاهده

نمود. در عهد عتیق آمده سلیمان به غیر از ازدواج با دختر فرعون با زنهای دیگری از قبیله موآب، عمون، اروم، صیدون و حیت ازدواج کرد و این ازدواج‌ها در نهایت باعث دوری سلیمان از خداوند گردید:

او بر خلاف دستور خداوند زانی از سرزمین قوم های بت پرست مانند موآب، عمون، ادوم، صیدون، حیت به همسری گرفت خداوند قوم خود را سخت بر حذر داشته و فرموده بود که با این قوم های بت پرست هرگز وصلت نکنند تا مبادا آنها قوم اسرائیل را به بت پرستی بکشانند. (اول پادشاهان، ۱۱: ۱-۲)

بنابراین سلیمان با وصلت نمودن با بت پرستان از دستور خدا سرپیچی نموده و او را خشمگین ساخت. زنهای سلیمان به تدریج سلیمان را از خدا دور نمودند و در نهایت سلیمان در اواخر عمر به بت پرستی روی آورد:

سلیمان عشتاروت، الهه صیدونیها و ملکوم، بت نفرت انگیز عمونیه را پرستش می کرد او به خداوند گناه ورزید و مانند پدر خود داود، از خداوند پیروی کامل نکرد حتی روی کوهی که در شرق اورشلیم است، دو بتخانه برای کموش بت نفرت انگیز موآب و مولک بت نفرت انگیز عمون ساخت. سلیمان برای هر یک از این زنان اجنبی نیز بتخانه‌ای جداگانه ساخت تا آنها برای بتهای خود بخور بسوزانند و قربانی کنند. (اول پادشاهان، ۱۱: ۵-۸)

زنهای سلیمان به تدریج او را از راه پرستش خداوند منحرف و به پرستش بتها ترغیب کردند. این مسئله سبب شد خداوند بر سلیمان خشمگین شده و به او اعلام کند به دلیل شکستن پیمان، سلطنت را از او و خاندانش گرفته و به یکی از زیر دستانش واگذار می کند. خداوند به سلیمان می گوید به دلیل خوبی های پدرت، داوود، این کار را در زمان تو انجام نداده و در زمان پسر تو آن را عملی خواهم کرد. همچنین در کتاب اول پادشاهان داستان اخاب، پادشاه اسرائیل روایت شده که با ایزابل دختر اتبعل، پادشاه صیدون ازدواج نمود. صیدونیها بت پرست بودند و وصلت اخاب با این قوم سبب گردید که او نیز از بت پرستان گردد. اخاب پس از ازدواج با ایزابل، بت صیدونیها را پرستش نموده و بر آن بت سجده کرد. (اول پادشاهان، ۲۱: ۲۴-۲۰)

در جای دیگر نیز، نحیما، نماینده پادشاه پارس، که مأمور شده در اورشلیم به امور یهودیان رسیدگی کند، وقتی متوجه می‌شود یهودیان با غیریهودیان وصلت می‌کنند پریشان خاطر شده و آنها را به خاطر چنین گناهی لعنت می‌کند:

در آن روزها عده ای از یهودیان را دیدم که از قوم های اشدودی، موآبی و عمونی برای خود زنان گرفته بودند و نصف فرزندانشان به زبان اشدودی یا سایر زبانها صحبت می کردند و زبان عبری را نمی فهمیدند. پس با والدین آنها دعوا کردم، ایشان را لعنت کردم، زدم و موی سرشان را کندم و در حضور خدا قسم دادم که نگذارند فرزندانشان با غیر یهودیان ازدواج کنند. (نحیما، ۱۳: ۲۳ - ۲۵)

در کتاب عزرا نیز به موضوع برونزناشویی و آلوده شدن به گناه اشاره شده است. در آیات این کتاب آمده است سران قوم یهود به نزد عزرا آمده و از اینکه مردان یهودی با زنان غیر یهودی وصلت می‌کنند گلایه و شکایت سر می‌دهند. چرا که به اعتقاد سران یهود با این کار، قوم مقدس یهود با اقوام بت پرست در هم آمیخته می‌شود.

عزرا پس از شنیدن سخنان بزرگان یهود، سخت پریشان خاطر شده، پیراهن خود را دریده و موی سر و صورت خود را می‌کند و سرانجام دست دعا به سوی پروردگار دراز می‌کند و به خاطر این گناه قوم یهود، از او طلب بخشش می‌کند. وقتی مردان یهودی حال پیامبر خود را اینگونه می‌بینند به اشتباه خود پی برده و عهد می‌بندند از زنان غیر یهودی خود جدا شده و آن زنان و فرزندانشان را از سرزمین یهودیه بیرون کنند. بر اساس آیات مندرج در کتاب عزرا کمیته‌ای تشکیل شده و در عرض سه ماه به وضع مردانی که زن غیر یهودی اختیار نموده‌اند رسیدگی می‌شود تا از همسران خارجی خود جدا شده و مجدداً به دامان قوم یهود برگردند. (عزرا، ۱۰: ۱-۲)

اگر چه در تورات ازدواج با بیگانگان نهی شده و ارتکاب به آن گناهی بزرگ به حساب آمده است اما در این کتاب نمونه‌هایی نیز می‌توان سراغ گرفت که ازدواج برون‌گروهی گناه شناخته نشده است. به طور مثال حضرت موسی در عهدعتیق درباره ازدواج با دخترانی که در جنگ اسیر می‌شوند قوانین و احکامی وضع نموده است. بر اساس تعالیم حضرت موسی چنانچه مردی در جنگ، دختری را اسیر کرد و پس از آن عاشق دختر شده و قصد ازدواج با او را داشت اشکالی وجود ندارد:

او را به خانه خود بیاورید و بگذارید موهای سرش را کوتاه کند، ناخن هایش را بگیرد و لباسهایش را که هنگام اسیر شدن پوشیده بود عوض کند. سپس یک ماه تمام در خانه شما در عزای پدر و مادرش بنشیند. بعد از آن، می‌توانید او را به زنی بگیرید. (تثنیه، ۲۱: ۱۲-۱۳)

حضرت موسی درباره حق و حقوق این دختر نیز متذکر می‌گردد که پس از ازدواج مردان با چنین دختری، او دیگر اسیر نبوده و چنانچه در زندگی از او راضی نبودند، نمی‌توانند او را فروخته و یا مثل برده‌ها با او رفتار نمایند. همچنین در تورات به ازدواج برون-گروهی استرو پادشاه پارس اشاره می‌شود که نه تنها این امر گناه نبوده بلکه باعث می‌شود قوم یهود از توطئه‌ای که برای نابودی یهودیان به وقوع می‌پیوست نجات یابد.

آیات مربوط به این ازدواج در کتاب استر ذکر شده است. بر اساس این آیات خشایار شاه، پادشاه بزرگ و مقتدر پارس هنگامی که در یک ضیافت شام از همسر خود آزرده خاطر می‌گردد تصمیم می‌گیرد ملکه‌ای دیگر برگزیند. از این رو به مأموران خود دستور می‌دهد تا زیباترین دختران را به حرمسرای پادشاه بیاورد تا پادشاه بتواند از میان آنها یکی را به همسری برگزیند. «هیجای» رئیس حرمسرای خشایار شاه از سراسر کشور دختران زیبایی را انتخاب نموده و به دربار پادشاه می‌آورد تا سرانجام خشایار شاه به دختری یهودی بنام «استر» دختر عموی «مردخای‌نبی»<sup>(۱)</sup> علاقه مند می‌گردد.

مردخای به استر توصیه می‌کند که یهودی بودن خود را از پادشاه پنهان کند و با پادشاه پارس ازدواج کند، چرا که این امر می‌توانست به نفع یهودیان مهاجر در سرزمین پارس باشد. همین گونه هم می‌شود. «هامان»، وزیر خشایار شاه که از مردخای و سایر یهودیان کینه داشت با حيله و نیرنگ، فرمان قتل تمامی یهودیان را از پادشاه می‌گیرد، اما استر و مردخای پادشاه را متقاعد می‌سازند که حکم خود را پس بگیرد چرا که اگر چنین نکند باید استر را نیز قربانی کند چون استر نیز از یهودیان است. خشایار که علاقه زیادی به استر داشت فرمان خود را پس گرفته و در نهایت هامان را به دار می‌آویزد<sup>(۲)</sup>. (استر، ۷)

در انجیل نیز آیاتی وجود دارد که به زناشویی خارج از گروه اشاره می‌کند. براساس این آیات اگر مردی مسیحی زنی غیرمسیحی دارد و زن تمایل دارد که با مرد خود زندگی کند، مرد نباید او را طلاق بدهد، همچنین اگر زن مسیحی، شوهری غیرمسیحی اختیار کرده باشد و شوهر قصد زندگی با او را دارد زن نباید شوهرش را ترک کند. بنابراین در انجیل ازدواج



با غیر مسیحیان گناه و شرک به حساب نیامده بلکه آن طور که در کتاب اول قرن‌تین آمده شوهر غیر مسیحی می‌تواند بوسیله زن مسیحی خود مورد قبول خداوند واقع شود. همچنین زن غیر مسیحی مرد مسیحی می‌تواند بوسیله شوهر خود به مسیحیت ایمان آورد. (اول قرن‌تین، ۷: ۱۶-۱۲)

### ۳.۳ انواع ازدواج از نظر تک همسری و چند همسری

ازدواج از نظر تعداد همسر به چند همسری و یا تک همسری تقسیم می‌شود. در آیات عهدعتیق و عهدجدید نمونه‌هایی از چند همسری و تک همسری وجود داشته که در این بخش بدان اشاره می‌شود:

#### ۱.۳.۳ چند همسری

اگر چه چند همسری به معنای آن است که یک مرد یا زن چند همسر اختیار کند ولی منظور از چند همسری در تورات بیشتر چند زنی است و نمونه‌ای که در آن زنی در آن واحد چند شوهر اختیار کرده باشد وجود ندارد. باید توجه نمود که در گذشته چند زنی به دلیل آنکه سبب فرزند آوری بیشتر می‌گردید همواره مورد توجه مردان بوده است. « در روزگاری که حوادث و بیماری‌ها و جنگ‌ها مردم را همیشه به ستوه می‌آورد، داشتن فرزند زیاد نعمت و برکت بود.» (دورانت، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶). براساس آنچه که در عهدعتیق آمده اولین کسی که اقدام به اختیار چند زن نمود، «لمک» فرزند متوشائیل و پدر نوح است. در کتاب عهدعتیق آمده است او دو زن به نام‌های «عاده» و «ظله» اختیار کرد.

همچنین ابراهیم نیز از اولین کسانی است که در تورات به چند همسری او اشاره شده است. او سه زن به نام‌های سارا، هاجر و قطوره داشت. نوه ابراهیم، عیسو، نیز از کسانی است که دو زن اختیار نموده است.

سلیمان نیز زنان زیادی داشت و رحبعام پسر او که پس از مرگ پدر به پادشاهی رسیده، راه او را در تعدد زوجات ادامه داد. و هجده زن و شصت کنیز اختیار نمود. که از آنها صاحب دختران و پسران بسیار شد.<sup>(۳)</sup>

ایبا پادشاه یهودا نیز چهارده زن اختیار نمود که فرزندان بسیاری از آنها داشت<sup>(۴)</sup>.

حضرت یعقوب نیز با دو خواهر به نام‌های لیه و راحیل ازدواج کرد این در حالی است که در کتاب لاویان آمده است:

« مادامی که زنت زنده است نباید خواهر او را هم به زنی بگیری و با او همبستر شوی. » (لاویان ، ۱۸ : ۱۸)

با بررسی آیات مربوط به ازدواج و زناشویی در عهد جدید درمی‌یابیم در این کتاب آسمانی مورد خاصی درباره چند همسری ذکر نشده است.

### ۲.۳.۳ تک همسری

"طبیعی‌ترین فرم زناشویی است. در تک‌همسری هر یک از زن و شوهر احساسات و عواطف و منافع جنسی دیگری را از آن خود و مخصوص شخص خود می‌داند" (مطهری، ۱۳۵۷، ص: ۳۳۱). در عهد عتیق آیه‌ای که افراد را ملزم به داشتن یک زن کند وجود ندارد و در این باره نیز توصیه‌ای نشده است. با این حال، در کتاب تثنیه بدون اشاره به اختیار یک همسر، به پادشاهان نسبت به چند همسری هشدار داده شده است:

« او (پادشاه) نباید زنان زیادی برای خود بگیرد ، مبادا دلش از خداوند دور شود. » (تثنیه ، ۱۷ : ۱۷)

بر اساس این آیه، پادشاهان که معمولاً پیامبران و افراد برگزیده و مورد قبول خدا بوده‌اند نباید بر تعداد زنان خود بیفزایند چرا که با این کار از خداوند دور می‌گردند.

پیش از این به جایگاهی که ازدواج نزد عیسی و یارانش داشت اشاره شد و مشخص گردید که دیدگاه آنان نسبت به زناشویی آنچنان مطلوب نبوده و آنرا توصیه نکرده‌اند. " کتاب آسمانی مسیحیان (انجیل) بر خلاف قرآن و تورات، بیشتر حاوی مواعظ و اوامر اخلاقی است و کمتر در آن، از احکام و مقررات (در این خصوص) سخن رفته است (کتابی، ۱۳۸۳، ص: ۵۲). بر اساس همین اصول است که در ابتدا مردان مقدس و روحانیون مسیحیت حق ازدواج نداشتند. با وجود این در کتاب اول تیموتائوس به شماسان، که دستیاران کشیشان کلیسا بوده‌اند، دستور داده شده که نباید بیش از یک زن اختیار کنند و باید نسبت به آن زن نیز وفادار باشند.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

برای زناشویی تعاریف و تعابیر متعددی ذکر شده است، اما آنچه در این تعاریف برای جمعیت‌شناسان اهمیت دارد جنبه‌های افزایش نسل و بقاء جمعیت می‌باشد. جمعیت‌شناسان به وضعیت تأهل یک فرد توجه ویژه دارند، چرا که این مفهوم با مفهوم مهم باروری ارتباطی تنگاتنگ دارد. اما حقیقت امر این است که ازدواج به عنوان یکی از وقایع چهارگانه بر سایر مفاهیم جمعیتی نیز تأثیرگذار است. این مفهوم می‌تواند بر روند مهاجرت‌ها و یا طلاق نیز تأثیرگذار باشد. بنابراین می‌تواند جمعیت را دستخوش تغییر نماید. از همین روست که در ادیان به ازدواج - که در نهایت به افزایش جمعیت منجر می‌شود - توصیه فراوان شده است. به سخن دقیقتر اصولاً دیدگاه متب آسمانی به مقوله ازدواج و زناشویی و به تبع آن فرزندآوری، رویکرد مثبتی است. ادیان همیشه در تلاش‌اند جمعیت بیشتری را با خود همراه داشته باشند و قدرت و شکوه خود را در افزایش پیروان متجلی می‌کنند. در کتابهای عهدعتیق و عهدجدید نیز ازدواج جایگاه مهم و اساسی دارد و برای آن قوانین و دستورات ویژه ای وضع شده است.

منزلت ازدواج نیز از موضوعاتی است که در کتاب مقدس مورد بررسی قرار گرفته است. در نظر عهدعتیق ازدواج نعمتی است، عطا شده از سوی خداوند به بندگان. باید به این نکته توجه نمود که مخاطب اکثر آیاتی که در آنها به ازدواج توصیه شده مردان بوده و به نظر می‌رسد این به خاطر نقش انتخاب‌کنندگی مردان در امر زناشویی بوده است. در این کتاب ضمن توصیه به ازدواج به مواردی بر می‌خوریم که ازدواج توانسته است باعث دوستی و صلح بین دو قوم یا دو کشور شود.

در عهد جدید نیز موضوع زناشویی مورد توجه بوده است. در این کتاب می‌خوانیم، ازدواج کردن افراد آنها را از آتش جهنم دور می‌کند اما چنانچه فردی بتواند بر امیال و شهوات خود غلبه یابد بهتر است وقت خود را صرف خدمت خداوند کرده و از ازدواج پرهیز نماید. این قانونی بود که عیسی و بسیاری از یاران صدیقش بدان پایبند بودند.

در انجیل مرد و زنی که بوسیله ازدواج، به هم می‌پیوندند، به یک واحد تبدیل می‌شوند. در این کتاب آمده بدن مرد یا زن تنها متعلق به خودش نیست بلکه به همسرش نیز تعلق دارد. از این رو باید از اعمالی که بر بدن ضرر و زیان می‌رساند - چون گناه - دوری نماید.

در این کتاب ازدواج مخصوص این دنیای فانی قلمداد شده است و از زبان عیسی آمده که در روز قیامت هیچ کس زوجی ندارد و همگی مثل فرشتگان خداوند، مجرد خواهند بود. در این مطالعه به دایره همسرگزینی در ازدواج‌هایی که در دو کتاب عهد عتیق و عهد جدید آمده توجه شده است. به طور خلاصه می‌توان گفت که در مقایسه با عهد جدید در عهد عتیق به ازدواج‌های درون گروه توصیه فراوان شده و وصلت با بیگانگان به شدت نهی شده است. در آیه‌ای از این کتاب روایت ازدواج‌هایی را می‌خوانیم که خارج از قوم اسرائیل صورت پذیرفته، از این رو به فساد و تباهی کشیده شده است. در تورات داستان مردانی آمده که اگر چه خود پیامبر و برگزیده خدا بوده اند اما با ازدواج با زنان بیگانه و بت پرست، خود نیز بت پرست شده و خشم خدا را فراهم ساخته اند. با وجود این در عهد عتیق ازدواج‌های برون گروهی نیز انجام شده که در نهایت امر به نفع یهودیان گردیده است. ازدواج استر با خشایار شاه از این نمونه است. این موضوع در انجیل به شدت تورات به چشم نمی‌خورد و در این زمینه ملایمت بیشتری وجود دارد. نظر انجیل درباره ازدواج‌های خارج از گروه آن است که همسر غیرمسیحی می‌تواند بر اثر مهر و محبت همسر مسیحی خود به آئین مسیحیت روی آورده و مقدس گردد.

چند همسری و تک‌همسری نیز موضوعی است که در این مطالعه از نظر گذشت و مشخص گردید در این دو کتاب، منظور و مقصود از چند همسری بیشتر چند زنی بوده است و موردی از چند شوهری در کتاب مقدس مشاهده نگردید. ازدواج به صورت تک همسری موضوعی است که هر دو کتاب بدان توصیه شده است. چنانچه در تورات به پادشاهان توصیه شده از اختیار زنان بسیار دوری کنند چرا که باعث دوری آنها از خدا و یاد خدا می‌شود. در انجیل نیز به شماسان فرمان داده شده که تنها یک زن اختیار کرده و نسبت به او وفادار باشند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. استر و مردخای از جمله پیامبرانی هستند که مقبره شان در ایران و در شهر همدان است.
۲. در آئین یهود جشن‌ها و عیدهای گوناگونی وجود دارد که عید شادمانه (pourim) یکی از آن اعیاد است. این عید یا د آور ماجرای [ ازدواج ] استر زیبا ... است که با فاش کردن هویت

## بازشناسی تحلیلی و مقایسه‌ای دایره ازدواج و ... (رضایانی) ۳۰۳

- یهودی خود [ نزد پادشاه ] قوم خویش را نجات داد . در این روز یهودیان لباس مبدل به تن می کنند و آواز می خوانند . (کلمان ، ۱۳۹۲ ، ص ۷۰۱)
۳. تعداد فرزندان رحبعام از زنان و کنیزانش بدین قرار بود : ۲۸ پسر و ۶ دختر .
۴. تعداد فرزندان ایبا بدین قرار بود : ۲۲ پسر و ۱۶ دختر

### کتاب‌نامه

- اشتاین سالتز، آدین. (۱۳۸۳). *سیری در تلمود*. ترجمه باقر طالبی دارابی. چاپ اول. قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ترجمه تفسیری کتاب مقدس*. ( ۱۹۹۵ م ) . انگلستان :انجمن بین المللی کتاب مقدس.
- ترجمه کتاب مقدس*. ( ۱۹۹۹ م ) . انگلستان :انتشارات ایلام.
- تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۷۸). *مبانی جمعیت شناسی*. چاپ چهارم. تبریز: نشر جامعه پژوه و نشر دانیال.
- خاچیکی، سارو. ( ۱۳۵۱ ) . *کشف الآیات یا آیه یاب کتاب مقدس*. چاپ اول. تهران: انتشارات آفتاب عدالت.
- دورانت، ویل. ( ۱۳۸۳ ) . *لسان فلسفه*. ترجمه عباسزریاب خویی. چاپ پانزدهم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شاکرین، حمید رضا (۱۳۸۹) *دین شناسی*. پرسش ها و پاسخ های دانشجویی. دفتر ششم. چاپ سوم. قم: انتشارات معارف. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
- شاهاک، اسرائیل (۱۳۸۴) *تاریخ یهود، آیین یهود*. ترجمه: رضا آستانه پرست. چاپ دوم. تهران: نشر قطره.
- شیخی، محمد تقی. (۱۳۸۰). *مبانی و مفاهیم جمعیت شناسی*. چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- علیجانی، رضا (۱۳۸۹) *زن در متون مقدس*. زن در آیین یهودیت. چاپ اول. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- علیجانی، رضا (۱۳۸۹) *زن در متون مقدس*. زن در آیین مسیحیت. چاپ اول. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- عمید، حسن. ( ۱۳۷۹ ) . *فرهنگ عمید*. چاپ شانزدهم. تهران: انتشارات امیر کبیر .

۳۰۴ پژوهش‌نامه زنان، سال ۱۳، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱

کتابی احمد. (۱۳۷۷). *درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی*. چاپ چهارم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کتابی، احمد. (۱۳۸۳). «دایره همسرگزینی در بین خویشاوندان نزد اقلیت‌های دینی ایران». *فصلنامه جمعیت*، سال دوازدهم، شماره ۴۷ و ۴۸، بهار و تابستان ۱۳۸۳، از ص ۴۱ تا ۶۰.

کلان، کاترین (۱۳۹۲) *دنیای تو*. ترجمه مهدی سمسار. چاپ پنجم، تهران: انتشارات نقش جهان.

محمدی، مجید. (۱۳۸۰). *بر بام‌های آسمان*. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.

محمدیان، بهرام و دیگران. (۱۳۸۱). *دایره المعارف کتاب مقدس*. چاپ اول. تهران: انتشارات روز نو.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۷) *نظام حقوق زن در اسلام*. چاپ هشتم. قم: انتشارات صدرا.

هاکس، جیمز. (۱۳۷۷). *قاموس کتاب مقدس*. چاپ دوم. تهران: انتشارات اساطیر.